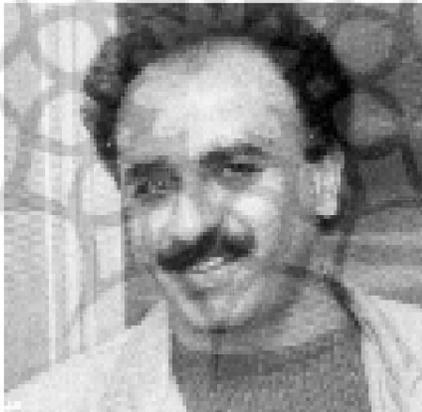


چلچراغی که روشن شد

○ مهدی طهوری



داوود غفارزادگان، نویسنده آشنای کودک و نوجوان، چند سال است که درگیر طرح «چلچراغ» در انتشارات مدرسه است. در این طرح، زندگی شخصیت‌ها و مفاخر ملی مذهبی، به زبان ساده برای نوجوانان درج می‌شود. در این باره گفت‌وگویی با داوود غفارزادگان انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

○ درباره تاریخچه کار برای ما صحبت کنید.

این طرح، پیشنهاد آقای گلدان‌ساز، مدیرکل وقت دفتر بود. چارچوب کلی طرح، توسط ایشان و دیگر دوستان، بعد از کار کارشناسی، به مرحله اجرا رسیده بود و من به عنوان دبیر طرح، با یک طرح مدون، شروع به کار کردم و با کمک دوستان، فعلاً تا این مرحله پیش آمده‌ایم.

○ اهداف این طرح، چه بوده است؟

دو هدف عمده برای این طرح، در نظر گرفته شده بود:

الف: شناخت مفاخر کشور در همه زمینه‌ها
ب: ارائه الگوهای عملی برای نوجوانان و جوانان
هم چنین ما همه به عنوان معلم، این اعتقاد را داشتیم که بدون شناخت پیشینه فرهنگی خود، هویتی نخواهیم داشت.

○ چه قیاسی می‌توانید داشته باشید بین این حرکت و حرکت‌های موازی؟

کتابی برایش می‌نویسند، چه فیلمی برایش می‌سازند و چه کالایی تولید می‌کنند تا مصرف‌کننده و احساس‌کننده از قافله عقب مانده است. خودش را به اصطلاح امروزی‌ها، باور ندارد؟ چون جایگاهش را در تمدن جهانی نمی‌شناسد و یا این طور به او القا کرده‌اند که هیچ گذشته‌ای ندارد و اگر بخواهد روی پای خودش بایستد، باید به دیگران آویزان شود و تن به تحقیر و بی‌اعتنایی بدهد. این حرف را همه شنیده‌ایم که گذشته، چراغ راه آینده است. باید بد و خوب خودمان را بشناسیم. به ارزیابی بنشینیم و با قدرت و توان، سهم خودمان را از فرهنگ و تمدن جهانی طلب و نقش تاریخی‌مان را در این عرصه ایفا کنیم.

○ چرا نام بعضی از شخصیت‌ها در لیست شما خالی

است، مثلاً شخصیت‌های تاریخ ایران باستان؟
مجموعه کتاب‌های رشد، شامل بخش‌ها و طرح‌های دیگری هم هست؛ از جمله بخش تاریخ که روی زندگی‌نامه شخصیت‌های تاریخی دارند کار می‌کنند.

○ تا الان به چند شخصیت پرداخته‌اید؟

ما کارمان را با چهل شخصیت تاریخ معاصر ایران، در زمینه‌های متفاوت، شروع کردیم و نامگذاری «چلچراغ» هم بر این مجموعه، به این دلیل بود. الان زندگی‌نامه داستانی بیش از ۲۰۰ شخصیت، در مرحله تألیف و چاپ قرار دارد. هر سال هم با توجه به پیشنهادهایی که از طرف نویسندگان و اهل فن داده می‌شود، بر تعداد شخصیت‌ها افزوده می‌گردد.

○ در انتخاب شخصیت‌ها، چه الویت‌هایی مدنظر

بود؟

الویت اصلی، لزوم آشنایی مخاطب‌های نوجوان، با مفاخر ملی و مذهبی، در عرصه‌های متفاوت است. الویت دیگر برمی‌گردد به میزان تأثیرگذاری شخصیت و خدماتی که انجام داده است.

○ شما الان حدود ۱۰۰ زندگی‌نامه را خوانده‌اید. به

نظر شما اگر کسی صد شخصیت بزرگ را بخواند، چه تأثیری ممکن است بیفزاید، به ویژه اگر نوجوان باشد؟
معمولاً هر کسی با توجه به علاقه، گرایش یا کنج‌کاوی سراغ چند شخصیت می‌رود و کمتر پیش می‌آید کسی بنشیند و این همه کتاب بخواند. در حال حاضر، ظاهراً رویکرد بچه‌ها به این کتاب‌ها بیشتر به خاطر کارهای تحقیقی مدرسه‌ای است. همین هم برای ما که متأسفانه، مردمی «کم‌خوان» هستیم، غنیمت است. در عین حال، اگر نوجوانی همه این کتاب را بخواند، اوقات دلپذیری را در جوار بزرگان کشورش خواهد گذراند و نکته‌ها خواهد آموخت.

○ خود شما با ۱۰۰ شخصیت سرو کله زده‌اید و ذهن تان

مجبور به درگیری با آن‌ها بوده است. در مورد تأثیر این فضاهای مختلف، در نظرگاه خودتان صحبت کنید.
دبیری این طرح بزرگ، برای من یک توفیق اجباری

به نظر من، این حرکت‌ها موازی نیست. کارهای با ارزشی توسط «طرح نو» و «دفتر نشر اسلامی» منتشر شده که مخاطب‌های خاص خودش را دارد. کار ما مختص نوجوانان و بسیار گسترده‌تر است. کاش ناشرهای دیگری هم پیدا می‌شدند و دست به انتشار چنین آثاری می‌زدند. ما کار زمین مانده، در عرصه فرهنگ زیاد داریم؛ به خصوص برای مخاطب‌های نوجوان و جوان که درصد بالایی از جمعیت جوان کشور را تشکیل می‌دهند. به فرض مثال، «حافظ» مشهورترین و ماندگارترین چهره ادبی کشور ما در طول تاریخ است. شما چند کتاب سراغ دارید بدهید دست بچه‌ها تا بدانند حافظ که بوده، چه کرده و در کدام دوره تاریخی می‌زیسته است و چرا این شاعر گرانقدر جزو میراث ادبی و گنجینه فرهنگی کشور و جهان است و چرا ما باید حافظ را بشناسیم و بخوانیم؟ شخصیت‌های دیگر جای خود دارد که حتی اسامی بعضی‌شان فراموش شده است. همین است که شما با نسلی سرگردان، ضعیف‌النفس، چشم به دهان دیگران در خارج از مرزها روبه‌رو می‌شوید که مدام منتظر است چه

نظرم این است که در طراحی روی جلد، مؤلف و شورای بررسی، دخالت داشته باشند. خودم زندگی‌نامه ابوالفضل بیهقی را برای این مجموعه نوشته بودم و به شدت نگران بودم که روی جلد آن، عکس پارکینگ بیهقی را کار کنند! خوشبختانه، چنین نشد. عکس پیرمردی را زدند که توی صورتش هیچ چیز خوانده نمی‌شود؛ الا بی‌خاصیتی.

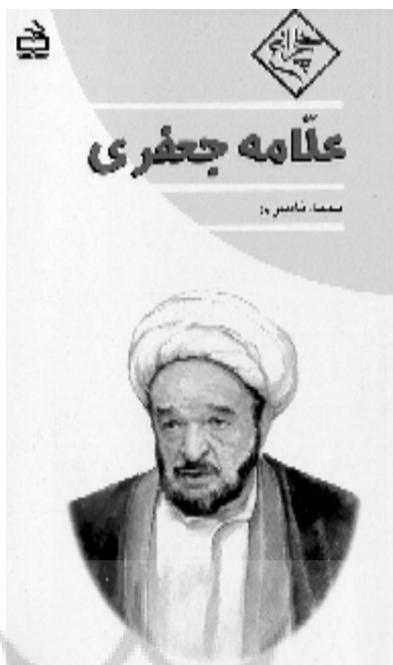
○ گرایش نوجوان‌ها بیشتر به سمت بزرگسالی است و از طریق رسانه‌های گروهی، مفاهیم زیادی نیز در ذهن دارند. آیا مدنظر شما نبوده سطح کارها را بالا ببرید؟
 با نظر شما موافقم. نوجوان نگاهش به آینده است، نه گذشته. به جوانی است، نه کودکی. در کل، سمت و سوی حرکت ما این طور بوده است. با این همه، در مورد درک و ظرفیت پذیرش مخاطب‌های نوجوان، عقاید متفاوت است و هرکس از ظن خود بر عقایدش هم پافشاری می‌کند. از طرفی، هیچ کار آماری و آکادمیک هم در این مورد انجام نگرفته تا معیار سنجش باشد. اصرار من به عنوان دبیر طرح، همیشه این بوده که سطح کار را بالا ببریم و نوجوان‌ها را دست کم نگیریم؛ چون دوره نوجوانی خودم را هنوز فراموش نکرده‌ام.

○ آیا از دل این طرح، طرح‌های دیگری هم بیرون آمده است؟

برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی هم داریم طرحی مشابه این طرح اجرا می‌کنیم. چندتایی هم کار تصویب شده داریم؛ از جمله زندگی ابوعلی سینا، استاد مطهری، کمال‌الملک، نیما یوشیج و...

○ حرف نگفته‌ای اگر هست...

حرف نگفته زیاد است و من نمی‌گویم؛ چون نمی‌خواهم به دلیل مسائل شخصی، چنین طرح بزرگی لطمه ببیند، تعطیل شود یا به بیراهه بیفتد. اما در پایان، یادآوری این نکته ضروری است که این طرح، حاصل کار جمعی است. اگر نبود استقبال نویسنده‌ها، اگر نبود یاری اهل فن در بخش کارشناسی، ما الان این جا نبودیم. بر خود لازم می‌دانم از دوستانی که در بخش کارشناسی ما را یاری می‌کنند، اسم ببرم: آقای هدایت بهبودی و همکاران‌شان در دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، آقای ربانی، از دفتر پژوهش، آقای محمد ناصری، چه وقتی که در دفتر حضور داشتند و چه حالا که در جایی دیگر مشغول خدمت‌اند و هنوز نظریات کارشناسانه‌شان را از ما دریغ نمی‌کنند، شاعر گرانقدر، آقای بیوک ملکی، جناب آقای مرتضی سرهنگی و احمد دهقان، از نویسنده‌های خوب جنگ، با وسعت نظر و اطلاعات ذی‌قیمت در مورد شخصیت‌های دفاع مقدس، آقای مهدی الماسی و دیگر دوستان خارج و داخل دفتر که پیوسته با نظریات کارشناسانه‌شان راه گشا بوده‌اند.



ناشر خصوصی یک چیزش خوب است که ملاحظات ناشرهای دولتی را ندارد و با اگر و اماهایی که ما این جا با آنها روبرو هستیم، کمتر روبه‌روست. اگر ناشرهای خصوصی، به چنین کاری دست بزنند، خودشان راه را پیدا می‌کنند. یک راهش این است که مجموعه آثار چاپ شده را به چشم نقد بخوانند، نقاط قوت را قوی‌تر کنند و نقاط ضعف را کنار بگذارند.

○ بسیاری از تصاویر روی جلد، حرفه‌ای نیست، اینها اصلاً با قوت کار تناسب ندارد. در این باره چه می‌گویید؟
 در این مورد، معمولاً از من نظر نمی‌گیرند. من



بود که با جزئیات زندگی، آثار و نحوه کار مفاخر کشور بیشتر آشنا شوم. کمترین تأثیرش این بوده است که با وجود مشکلات و گاه نامردمی‌ها، با تمام نیرو، این طرح را پیش ببرم. پشتکار، عشق به آموختن، اعتلای نام میهن و خدمت به مردم، کمترین چیزی است که می‌شود از این آدم‌ها یاد گرفت.

○ کارها چه طور سفارش داده و ارزیابی می‌شوند؟
 برخورد نویسنده‌ها تاکنون چه گونه بوده است؟

ما با گام‌های لرزان، کار را شروع کردیم و پیش بینی نمی‌کردیم طرح با چنین استقبال گسترده‌ای از طرف نویسندگان و استادان روبه‌رو شود. استقبال دوستان نویسنده از این طرح و کمک‌های بی‌دریغ آنها، چه در تألیف و چه در بخش کارشناسی، روزبه‌روز ما را به ارائه کار مصمم‌تر می‌کند.

کارشناسی آثار رسیده، در دو بخش انجام می‌گیرد. یک بخش کارشناسی تخصصی، از نظر مستندات و مضمون که این کار سپرده می‌شود به خبره‌های هر بخش. یک شورای داخلی هم داریم متشکل از نویسندگان شاغل در دفتر و نویسندگان خارج از دفتر که بیشتر به روایت و زبان می‌پردازند. پیشترها بخشی هم داشتیم که شش نظر دانش‌آموز را از اداره راهنمایی و دبیرستان می‌گرفتیم که متأسفانه، ادامه آن به سبب مشکلات، امکان‌پذیر نشد.

○ آیا امکان آن وجود دارد زندگی شخصیت‌هایی که اوایل نوشته شده و خوب از کار در نیامده، دوباره نویسی شود؟

اگر نقد و نظر اهل فن، شورا را مجاب کند، مشکلی برای این کار وجود ندارد. درکل، آثار چاپ شده، به طور نسبی، از یک حداقل قابل قبولی برخوردارند و اگر اشتباه یا ضعفی هست، تنها به مؤلف اثر برنمی‌گردد. خود ما هم به عنوان مجری طرح و شورای بررسی، کار را با تجربه کم شروع کردیم و هر چه جلوتر رفتیم، بیشتر یاد گرفتیم. حالا هم نظریات و پیشنهادات سازنده و علمی را می‌پذیریم و به کار می‌بندیم.

○ در این طرح، فضای داستانی تا چه حد می‌تواند توفیق‌آمیز باشد؟

زندگی‌نامه نویسی، شاخه‌ای از ادبیات تعلیمی است و از هر شیوه‌ای برای جذابیت اثر و تأثیرگذاری آن می‌شود استفاده کرد. آثاری که در نوشتن آنها از عناصر داستانی، به نحو شایسته و درست استفاده شده، معمولاً از استقبال بیشتری برخوردار بوده‌اند. در شیوه‌نامه‌ای که تدوین کرده‌ام، هیچ محدودیتی برای مؤلف در نظر گرفته نشده است. هر شخصیتی، به سبب تمایز و تفاوت با شخصیت‌های دیگر، شیوه خاصی از روایت را می‌طلبد و نویسنده هوشمند، کسی است که بتواند شکل نهایی مضمونش را پیدا کند.

○ اگر یک ناشر خصوصی، تصمیم به اجرای طرح مشابهی بگیرد، شما چه توصیه‌هایی برایش دارید؟